

روتیتر: دکتر سید حسین موسویان در گفت‌وگو با ستاره صبح ابعاد پیدا و پنهان کودتای ۲۸ مرداد را تشریح کرد:

تیتر: سیاست‌ها و برنامه‌های مصدق، مانع تراشی‌ها و جزئیات کودتای ۲۸ مرداد  
زیرتیتر:

نخستین بخشنامه دولت مصدق تأکید داشت مطبوعات آزاد هستند و هیچ‌کس حق تعرض به آن‌ها را ندارد

مصدق از روز اول نخست‌وزیری با مخالفت و کارشکنی داخلی و خارجی روبه‌رو بود  
روحانیونی مثل «آیت‌الله زنجانی»، «آیت‌الله محلاتی» و «آیت‌الله میلانی» تا آخر هوادار مصدق و پشتیبان نهضت ملی ماندند

مصدق شخصی لیبرال دموکرات و معتقد به آزادی و استقلال ایران بود

سید علی کرمانی: امروز ۲۸ مرداد ماه، مصادف با سالروز کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر محمد مصدق است. کودتایی که سرنوشت ایران را تحت تأثیر قرار داد و دولتی ملی و مورد حمایت مردم را سرنگون کرد. در همین ارتباط به سراغ دکتر سید حسین موسویان، از اعضای جبهه ملی دوم در اواخر دهه ۳۰ رفته‌ایم و از او که در زمان کودتا ۱۲ سال سن داشت و در متن تحولات سیاسی کشور حاضر بود، از حال و هوای روزهای کودتا، چرایی سرنگونی دولت ملی و اقدامات دکتر مصدق پرس‌وجو کردیم که در پی می‌آید:

جناب دکتر موسویان شما در زمان کودتای ۲۸ مرداد، ۱۲ سال سن داشتید. در سن ۱۷ سالگی وارد مبارزات سیاسی شدید و تا به امروز تحولات کشور را به عنوان شخصیتی ملی دنبال کرده‌اید. در مورد حال و هوای روزهای کودتا برای ما توضیح دهید؟

کودتای ۲۸ مرداد از نقاط عطف تاریخ سیاسی ایران است که بر وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران، چه در آن بُرهه و چه در سال‌های پس از آن اثرگذار بوده است. دکتر محمد مصدق پس از شهریور سال ۱۳۲۰ و سقوط دوران ۲۰ ساله دیکتاتوری رضا شاه، در شرایطی که کشور در اشغال بود و کامیون‌های سربازان انگلیسی در سطح شهر استقلال کشور را مورد تعرض قرار داده بودند، پرچم جنبش آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی را برافراشت و در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی شرکت کرد. ایشان به عنوان نماینده اول مردم تهران وارد مجلس شد و با پیشنهادهایی که مطرح کرد در جایگاه رهبر ملی مردم ایران قرار گرفت. «موازنه منفی»، «استقلال» و «آزادی» محوریت اهداف مصدق بود؛ چراکه او دیکتاتوری ۲۰ ساله رضا شاه را منشأ عقب‌ماندگی و فساد در ایران می‌دانست. وی به دلیل مانع‌تراشی و دشمنی حاکمیت وابسته وقت از حضور در دور پانزدهم و شانزدهم مجلس شورای ملی بازماند. دکتر مصدق بی‌کار ننشست و جمعیتی به نام «جبهه ملی ایران» را تشکیل داد و کوشید تا انتخابات را باطل کند. مبارزات وی و همراهانش انتخابات دوره شانزدهم را باطل کرد و در انتخابات مجددی که در تهران برگزار شد، هشت نفر از اعضای جبهه ملی وارد مجلس شدند. این هشت نفر توانستند تحت رهبری دکتر مصدق قانون «ملی شدن نفت» را در مجلس شانزدهم به تصویب برسانند. پس از آن بود که دکتر محمد مصدق به عنوان «نخست‌وزیر» قبول مسئولیت کرد تا قانون ملی شدن نفت را به اجرا درآورد. هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ دکتر مصدق نخست‌وزیری را آغاز و ظرف چند روز کابینه خود را معرفی کرد. او توانست در کمتر از دو ماه از «شرکت نفت ایران و انگلیس» خلعید کند. نخستین بخشنامه مصدق در دوران نخست‌وزیری‌اش خطاب به شهربانی کل کشور بود. این بخشنامه تأکید می‌کرد که مطبوعات آزاد هستند و هیچ‌کس حق تعرض به آن‌ها را ندارد. رخداد ۳۰ تیر و قیام ملی مردم در حمایت از مصدق و بر علیه توطئه‌هایی بود که ضد دولت صورت می‌گرفت. اردیبهشت سال ۱۳۳۲

نیز سرلشگر محمود افشارطوس، رئیس شهرداری کل کشور که ستون محکمی برای حمایت از دولت ملی بود به وسیله توطئه گران داخلی و اربابان خارجی آنها ربوده و به طرز فجیعی به قتل رسید و مقدمات کودتای ۲۸ مرداد چیده شد. افسر برجسته سازمان اطلاعات انگلیس سرهنگ «وود هاوس» که به دلیل حضورش در ایران و سفارت انگلیس شناخت کافی از ایران داشت، مأمور نوشتن طرح کودتا شد. او طرح را تحت عنوان «چکمه» به دولت آمریکا ارائه کرد تا این کشور را برای انجام کودتا با انگلیس همراه کند. نخست طرح به دولت وقت آمریکا، یعنی دولت ترومن ارائه شد، اما رئیس‌جمهور دموکرات ایالات متحده آن را قبول نکرد. به فاصله کوتاهی پس از آن و به موجب برگزاری انتخابات در آمریکا دولت جمهوری‌خواه «آیزنهاور» بر سر کار آمد و انگلیس مجدداً طرح را به دولت جدید آمریکا ارائه کرد. این بار طرح توسط دولت آمریکا تأیید و عملیات کودتا آغاز شد. نخست ژنرال «نورمن شوارتسکف» که سابقه کار در ژاندارمری ایران را داشت، مأمور شد ملاقات‌هایی انجام دهد. او ابتدا به اروپا رفت و با «اشرف پهلوی» خواهر شاه دیدار کرد و از او خواست به ایران برود و مطلب را با محمدرضا پهلوی در میان بگذارد. سپس «کرمین روزولت» رئیس CIA در منطقه خاورمیانه به عنوان فرمانده عملیات کودتا به شاه معرفی شد. به دنبال این ملاقات‌ها و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، مبالغی دلار نیز میان مخالفان داخلی دکتور مصدق توزیع شد تا کودتا را همراهی کنند. طبق اسنادی که اخیراً فاش شده، یکی از افرادی که از سفارت آمریکا به شکل مستقیم پول دریافت کرد، «آیت‌الله بهبهانی» بود که بعدها به «دلارهای بهبهانی» معروف شد. به جز آیت‌الله بهبهانی، آیت‌الله کاشانی نیز براساس سندی که اخیراً توسط «اردشیر زاهدی» به دانشگاه «استنفورد» هدیه شده، مبالغی را دریافت کرده بود. این سند فهرستی است که در آن با جوهر سبز رنگ نام افراد و مبالغ گرفته شده مشخص شده است. آیت‌الله بهبهانی، آیت‌الله کاشانی، فلسفی، شعبان جعفری، طیب حاج رضایی و روزنامه‌های هوادار دربار و روزنامه‌های دست راستی در این فهرست مشخص شده‌اند. نیمه‌شب ۲۵ مرداد ماه سه دسته از گارد جاویدان حرکت کردند تا کودتا را عملیاتی کنند. یک دسته به منزل دکتر فاطمی، مهندس زیرک زاده و مهندس حق‌شناس رفتند و آنها را بازداشت کردند. دسته دیگری قصد

داشتند تیمسار ریاحی، رئیس ستاد را بازداشت کنند که موفق به این کار نشدند؛ چراکه ایشان در ستاد ارتش می‌خوابید. سپس بازداشتی‌ها به کاخ سعدآباد برده شدند. نکته جالب اینجاست که برخی هنوز می‌گویند کودتایی در کار نبوده و آنچه رخ داد، قیام ملی بود، اما گفته نمی‌شود به چه دلیل نیمه‌شب وزرای دولت بازداشت می‌شوند و با خودروهای نظامی به کاخ شاه برده می‌شوند؟ دسته آخر که نعمت‌الله نصیری، رئیس گارد شاهنشاهی آن را رهبری می‌کرد، مأمور می‌شود تا عزل دکتر مصدق را به وسیله شاه به او ابلاغ کند. نصیری در ساعت یک بعد از نیمه‌شب با خودروی نظامی و عده‌ای سرباز مسلح فرمان عزل مصدق از نخست‌وزیری را به درب منزل او می‌برند. همان شب مصدق دستور داد سرهنگ نصیری بازداشت و در گاراژ منزل محبوس شود. سپس سربازان تحت امر او را خلع سلاح کرد و کانون مقاومت نظامی به طرفداری از دکتر مصدق و به فرماندهی سرهنگ ممتاز با جانبازی افسران جوانی که در رأس آن‌ها «موسی فشارکی» قرار داشت تا آخرین گلوله جنگیدند. وقتی کودتاچیان شکست خوردند، صبح از رادیو اطلاعیه دولت پخش و اعلام شد که عده‌ای از افسران تحت فرماندهی گارد سلطنتی قصد ساقط کردن دولت ملی را داشتند که ناکام مانده و بازداشت شدند. کشور در آن بُرّه در وضعیت فوق‌العاده‌ای قرار داشت. شاه فرار کرده بود و دکتر مصدق سعی داشت اغتشاشات و درگیری‌های خیابانی را ساکت کند. با این همه، متأسفانه صبح ۲۸ مرداد سال ۳۲ گام دوم کودتا صورت گرفت که به وسیله نظامیان و افسران بازنشسته و تسویه شده از ارتش به وسیله دکتر مصدق تحت رهبری «فضل‌الله زاهدی» اجرایی شد. زاهدی مدتی تحت حمایت آیت‌الله کاشانی در مجلس پناه داده شده بود و بعد تحت نظر عوامل CIA به صورت مخفیانه به سر می‌برد. او روز کودتا سوار تانک شد و با آن به طرف رادیو حرکت کرد. از طرفی دسته‌جات ارادل و اوباش «طیب حاج رضایی» و «حسین رمضان یخی» و دار و دسته «شعبان جعفری» در خیابان‌ها به راه افتادند و شروع کردند به شعار دادن به نفع شاه و با چوب و چماق خیابان‌ها را اشغال کردند. این دو گروه همراه با زنانی نگون‌بخت از محلات بدنام تهران تلاش می‌کردند ظاهر کودتا را قیامی مردمی نشان دهند، در حالی که یک کودتای نظامی در جریان بود که به وسیله نظامیان اداره می‌شد. حدود ساعت دو بعدازظهر بود که

صدای «میراشرافی» از رادیو پخش شد که می‌گفت: «الو الو اینجا تهران است، مصدق خائن بازداشت شد، دکتر فاطمی قطعه‌قطعه شد». دولتی که می‌توانست سرنوشت ایران را در سایه آزادی و استقلال تغییر دهد، اینگونه سرنگون شد.

**کمی در ارتباط با اقدامات دولت ملی دکتر مصدق برای ما بگویید. دولت مصدق چه اقداماتی انجام داد که هنوز هم می‌توان از آن‌ها یاد کرد؟**

مصدق در دو سال و چهار ماهی که زمامداری ایران را بر عهده داشت، اقدامات متری و بزرگی صورت داد که شمردن آن‌ها فهرستی بلند بالا می‌طلبد. خدماتی مثل ملی کردن نفت و اجرای این قانون، ملی کردن شیلات و آزاد کردن ماهیگیری برای ماهیگیران ایرانی در دریای مازندران، استقلال دانشگاه‌ها، ساخت مدارس با اختصاص ۵ درصد از درآمد کل شهرداری‌ها، لوله‌کشی آب شهرها، تأسیس کانون وکلای تهران، تأسیس سازمان تأمین اجتماعی برای رفاه کارگران و... از جمله اقدامات درخشان دکتر مصدق بود. وی در مورد دانشگاه‌ها اعتقاد داشت، دانشگاه یک موسسه علمی است و دولت نباید در آن دخالت کند. او می‌گفت دانشگاه باید مستقل باشد و اساتید هر دانشکده‌ای رئیس دانشکده را انتخاب کنند، روسای انتخابی دانشکده‌ها رئیس دانشگاه را انتخاب کنند و چون در این شرایط رئیس دانشگاه یک مقام علمی است و تحت نفوذ دولت قرار ندارد، در نتیجه می‌تواند با ارائه خدمات علمی به دانشجویان و آینده‌سازان کشور، باعث ارتقا و پیشرفت ایران شود. دوران دولت ملی دکتر مصدق تنها دوران در ۱۰۰ ساله اخیر ایران است که بیان اقتصادی کشور مثبت بود؛ یعنی صادرات بیش از واردات است، آن هم در شرایط تحریم نفت. از فردای ۲۸ مرداد نهضت مقاومت ملی تشکیل و مبارزات ادامه پیدا کرد تا اینکه در سال ۵۷ انقلاب مردم ایران به ثمر نشست و تلاش شد تا آرمان‌های استقلال و آزادی دولت دکتر مصدق همچنان پیگیری شود. مسئله‌ای که توفیق چندانی در آن به دست نیامد.

یکی از سؤالاتی که همچنان مطرح است و متأسفانه به دلیل روایت‌های کمتر واقع‌بینانه در ارتباط با دوران زمامداری شادروان مصدق، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، این است که ریشه‌های اصلی کودتا چه بود؟ امروز برخی معتقدند که مصدق درک کاملی از «امر سیاسی» و «قدرت» در ایران نداشت و نتوانست در بازی نزاع داخلی جریان‌های سیاسی، دولت ملی را از شر کودتا برهاند. به نظر شما اشتباهات دکتر مصدق کجا بود؟

اینکه بخواهیم وقوع کودتای ۲۸ مرداد را به دلیل کوتاهی از جانب دکتر مصدق بدانیم امری نادرست و غیر صحیح است. مصدق از روز اول نخست‌وزیری با مخالفت و کارشکنی روبه‌رو بود. روزی که قانون ملی شدن نفت تصویب شد، فردی که پیشنهاد نخست‌وزیری را در مجلس به دکتر مصدق ارائه کرد، شخصی به نام «جمال امامی» نماینده خوی بود. امامی نزدیکی زیادی به دربار شاه داشت و از حامیان منافع انگلیس در ایران بود. او به مصدق گفت قانون ملی شدن نفت را شما مطرح کردید و بهتر است خود برای اجرای آن قبول مسئولیت کنید. امامی فکر می‌کرد چون دکتر مصدق پیش از این بارها پیشنهاد نخست‌وزیری را رد کرده بود، این بار نیز این پیشنهاد را رد می‌کند و حامیان منافع انگلیس و دربار شاه می‌توانند نخست‌وزیر مطلوب خود، یعنی «سید ضیاءالدین طباطبایی» را بر سر کار بیاورند. دکتر مصدق با هوشیاری این ترفند را خواند و تا جمال امامی پیشنهاد نخست‌وزیری را مطرح کرد، ایستاد و دست خود را روی چشمش گذاشت و گفت: «چشم، اطاعت قبول می‌کنم». اینگونه بود که نخست‌وزیری دکتر مصدق در هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ آغاز شد. یک نمونه دیگر از توطئه علیه دولت ملی به ۲۰ تیر ۱۳۳۰ بازمی‌گردد. در آن تاریخ یک فرمانده شهربانی به نام «بقایی» که معلوم نشد به فرمان چه کسی به طرف تظاهرکنندگان در خیابان‌های تهران دستور شلیک داده، عده زیادی را کشت تا دولت ملی را به کشتار مردم متهم کند. دکتر مصدق فوراً مسئله را افشا و او را برکنار کرد و مورد تعقیب قرار داد. اینگونه مسائل ادامه داشت و به وسیله نظامیان در کار مصدق کارشکنی می‌شد. به همین خاطر بود که شادروان مصدق پس از بازگشت از لاهه بر در اختیار گرفتن وزارت جنگ پافشاری کرد. وقتی شاه این پیشنهاد را قبول نکرد، دکتر مصدق استعفا داد و به دنبال آن قیام ملی ۳۰ تیر

اتفاق افتاد. مصدق تمام تلاش خود را به کار گرفت تا با مقاومت در برابر توطئه گران و مخالفانش قانون را همانگونه که نوشته شده بود به مرحله اجرا گذارد و فرماندهی کل قوا را تحت امر نخست‌وزیری کند. به موجب قانون اساسی شاه از مسئولیت مبرا بود و نخست‌وزیر به عنوان رئیس دولت می‌بایست عهده‌دار مسئولیت‌ها از جمله نیروی نظامی و انتظامی کشور می‌بود. مخالفان مصدق حتی تصمیم گرفته بودند او را جلوی دربار به قتل برسانند. بدتر از اقدامات بیگانگان علیه دولت ملی، هم‌دستی و همکاری عوامل داخلی از اراذل و اوباش گرفته تا برخی روحانیون با کودتاگران بود.

**دکتر مصدق تلاش زیادی کرد تا همواره در مسیر «حاکمیت قانون» گام بردارد. در حالی که برخی معتقدند مصدق از همان زمان که به رأی مردم رجوع کرد و نخبگان و همراهان سیاسی‌اش را از دست داد، از حاکمیت قانون فاصله گرفت و در نتیجه همین امر یکی از علت‌های اصلی پیروزی کودتا علیه دولت ملی شد. نظر شما در این ارتباط چیست؟**

مصدق با قدرت‌های جهانی و کانون‌های داخلی تعامل داشت و حتی پیشنهاد ۵۰-۵۰ را به شرکت نفت ارائه کرد. عقیده او بر این بود که سهم ایران از نفت باید به اندازه کافی در نظر گرفته شود، در حالی که شرکت نفت ایران و انگلیس که بعدها به «بریتیش پترولیوم» تغییر نام داد این پیشنهاد را رد کرد. دکتر مصدق قصد نداشت فروش نفت را به کل تعطیل کند. او معتقد بود پول حاصل از فروش نفت باید در کارهای عمرانی و استراتژیک سرمایه‌گذاری شود. مصدق با روحانیت هم تعامل داشت، اما تعدادی از روحانیون در جریان کودتای ۲۸ مرداد بر علیه او فعالیت کردند. البته روحانیونی مثل «آیت‌الله زنجانی»، «آیت‌الله محلاتی» و «آیت‌الله میلانی» تا آخر هوادار مصدق و پشتیبان نهضت ملی ماندند.

تاریخی که در ارتباط با کودتای ۲۸ مرداد و اقدامات دکتر مصدق نوشته شده چندان روشن و واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد؛ چراکه از یک‌سو جریان ملی همواره از نقد شادروان مصدق پرهیز و روایتی تک بُعدی از خدمات دولت ملی ارائه کرده و در سوی مقابل مخالفان مصدق او را به همکاری با بیگانگان و یا فریب خوردن از آمریکا متهم می‌کنند. حال سؤال این است، آیا جریان ملی در ایران نقدی به دکتر مصدق دارد یا خیر؟

برخی افراد امروز می‌گویند باید دکتر مصدق در برابر کودتا مقاومت بیشتری می‌کرد و با اقتدار و سرکوب برخورد می‌کرد و اجازه نمی‌داد کودتا پیروز شود. این حرف با مشخصات اخلاقی دکتر مصدق خوانایی ندارد. مصدق شخصی لیبرال دموکرات و معتقد به آزادی و استقلال ایران بود. او نمی‌توانست با دولت‌های خارجی زد و بند کند؛ چراکه او را از استقلال دور می‌کرد. از سوی دیگر نمی‌توانست با خشونت با مخالفانش برخورد کند. زمانی که «شعبان جعفری» معروف به «شعبان بی‌مخ» در روز ۹ اسفند با ماشین جیب به درب خانه دکتر مصدق زد تا با ماشین داخل شود، او را بازداشت کردند و از دکتر مصدق سؤال کردند با او چگونه برخورد کنیم. او گفت برخورد شما با او همانطور باشد که با شخصی که با ماشین با درب خانه‌ای تصادف کرده برخورد می‌کنید. اگر بنا بود مصدق با مخالفانش با خشونت برخورد کند و زندانی سیاسی داشته باشد، دیگر دکتر مصدق نبود و همچون ستاره‌ای بر پیشانی تاریخ ایران نمی‌درخشید. امروز عده‌ای می‌گویند چرا در شرایطی که مملکت دچار مشکل و بحران است، ملیون دست از سر کودتای ۲۸ مرداد بر نمی‌دارند؟ پاسخ روشن است. نقطه آغاز گرفتاری‌های ایران همان کودتای ۲۸ مرداد است. اگر کودتا نمی‌شد و دولت ملی چند صباحی ادامه می‌داد و آزادی و استقلال را در این کشور نهادینه می‌کرد، امروز همچون هند میوه‌های به ثمر نشسته از استقلال و آزادی را می‌چیدیم.

تحلیل شما از وضعیت امروز ایران چیست؟ به نظر شما چگونه می‌توان در راه توسعه و آرمان‌هایی که شادروان مصدق به دنبال آن‌ها بود، گام برداشت؟

ظرفیت‌های موجود در ایران بالاست. ایران یک میلیون و ششصد و چهل‌وهشت هزار کیلومترمربع مساحت دارد که یک‌صدم خاک کره زمین است. جمعیت ۸۳ میلیونی ایران نیز یک‌صدم جمعیت کره زمین است، اما ۱۵ درصد از منابع انرژی جهان در خاک ایران است. تنوع محصولات و آب‌وهوا در ایران منحصر به فرد است و نزدیک به ۲۷۰۰ کیلومتر مرز آبی در جنوب و شمال کشور است. ایران با این وسعت، فرهنگ و تمدن و تاریخ کشوری استثنایی است که می‌تواند ترقی کند و در جهان اعتلا داشته باشد. چنین کشوری باید منابع و امکاناتش را برای توسعه در نظر بگیرد و از ماجراجویی و هزینه کردن سرمایه‌های کشور در دیگر نقاط خودداری کند. کدام منطق می‌گوید باید با همسایگان و دولت‌های فرا منطقه‌ای درگیر شویم؟ ایران کشوری باستانی است که از خصوصیات ملت آن مهمان‌نوازی، مدارا و صلح‌طلبی است. اگر بناست دولتی توسعه‌گرا در ایران شکل گیرد، می‌بایست در سیاست‌ها تجدیدنظر شود. دولت توسعه‌گرا باید با دنیا با سیاست احترام متقابل رفتار کند. ما ضمن اینکه در مورد استقلال خود با هیچ کشوری کوتاه نمی‌آییم می‌بایست با احترام متقابل نسبت به دیگر کشورها رفتار کنیم.